

فیزیک در دانشگاه شیراز

زنجان، زمستان ۱۳۸۹

یوسف ثبوتی

دانشگاه تحصیلات تکمیلی علوم پایه - زنجان

سال ۱۳۴۳ پس از گرفتن درجه دکتری ام در نجوم و اخترفیزیک از دانشگاه شیکاگو، و یک سال مدرسی (Lecturer) در دپارتمان ریاضی دانشگاه نیوکاسل، انگلستان، به ایران برگشتم. پس از چند ماه به دنبال کار دوییدن بالاخره از دانشگاه شیراز (پهلوی پیش از انقلاب) سر در آوردم. طبق رسم آن سالها، دانشگاه‌های ایران موظف بودند در همه چیز، از استخدام هیئت علمی و برنامه درسی و تقویم دانشگاهی گرفته تا آئین‌نامه‌ها و سیاست‌های اداری و مالی، و هر امر جزئی دیگر از دانشگاه تهران پیروی کنند. تا به آن روز چند دانشگاه به همین سبک در شهرهای بزرگ، تأسیس شده بود. به مرور زمان که ارتباطات بین‌المللی توسعه می‌یافت ناکارآمدی و ایستائی تنها یک الگوی دانشگاهی، که در آن هم به مدت بیش از ۲۵ سال، (از بدو تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۴) نوسازی و نوآوری انجام نه‌گرفته بود، خود را نشان داد.

مسئولین وقت تصمیم گرفتند تحولی در نظام آموزش عالی به وجود آورند. دانشگاه شیراز کم و بیش در حوالی سال ۱۳۳۰ با یک آموزشگاه پزشکی تأسیس شده بود و بعدها با افزودن بخش‌های دیگر، برابر الگوی دانشگاه تهران، به صورت یک دانشگاه متوسط درآمده بود. مسئولین بر آن شده بودند دانشگاه شیراز را تغییر ساختار دهند و به صورت دانشگاه‌های آمریکا درآورند. در سال ۱۳۳۹ گروهی از اساتید دانشگاه پنسیلوانیای فیلادلفیا را به مشاوره دعوت کردند. من در میانه این پوست-اندازی دانشگاه، به شیراز رسیدم و در بخش فیزیک دانشگاه به عنوان دانشیار استخدام شدم.

دکتر تمدن فرزانه، یک بیوفیزیک‌دان، مؤسس بخش فیزیک دانشگاه شیراز است. به جز خودش یک پزشک با سابقه لیسانس فیزیک، و سه مربی با درجه لیسانس فیزیک همکارانش بودند.؟ اولین کاری که از من خواسته شد، نوشتن برنامه چهارساله فیزیک، نوشتن محتوای دروس برابر آنچه که در آمریکا و کانادا دیده بودم کار سختی نبود.؟

برنامه چهارساله لیسانس فیزیک و انواع فیزیک‌های عمومی که به دانشجویان مهندسی و کشاورزی و علوم انسانی قرار بود درس داده شود، برابر مدل پنسیلوانیا آماده بودند. نظر به این‌که، به جز دکتر فرزانه، تنها فرد دپارتمان با آموزش عالی و رسمی در فیزیک من بودم، بالطبع تدریس بسیاری از درس‌ها را به عهده گرفتم. دوش‌اش را هم داشتم. حتی فراتر رفته و

درس‌های مکانیک کوانتومی و مکانیک آماری را که در برنامه چهارساله بسیاری از دانشگاه‌های آن زمان دنیا پر رنگ دیده نه‌شده بودند وارد برنامه‌های شیراز کردم.

پژوهش در دانشگاه‌های کشور تا اواسط دهه ۱۳۴۰، عملاً وجود نداشت. ارتباطات بین‌المللی بسیار ضعیف آن زمان امکان چنین بلندپروازی‌ها را نمی‌داد. دانشگاه شیراز در شکستن طلسم پیش‌گام شد. از نیمه‌های سال ۴۰ کم و بیش بیست نفر از تخصص‌های مختلف که سواد روز را داشتند در شیراز جمع شده بودند. اکثرشان جوان و جویای نام بودند. با هم‌کاری و هم‌آوایی و بعضاً با هم‌چشمی با یک‌دیگر، جو دانشگاه را عوض کردند و تحقیق در داخل کشور و نوشتن مقاله بین‌المللی را از قوه به فعل درآوردند.

در سال ۱۳۴۵، اعضای هیئت علمی بخش فیزیک به پنج نفر با درجه دکتری و چهار نفر با درجه لیسانس فیزیک رسیده بود. یک نفرمان پاکستانی و ادعای تخصص فیزیک هسته‌ای داشت. دو سال بیشتر در شیراز نه‌ماند. در همان سال با هم‌فکری شش هفت نفر دیگر از اعضای هیئت علمی بخش‌ها و دانشکده‌های دیگر به رئیس وقت دانشگاه پیشنهاد تأسیس دوره‌های تحصیلات تکمیلی* دادیم. پیش‌نویس این پیشنهاد خط من و حاوی نام امضاکنندگان آن هنوز در بایگانی شخصی‌ام موجود است. گروه مشاورین پنسیلوانیا آمادگی دانشگاه شیراز را برای تأسیس دوره‌های تحصیلات تکمیلی کافی نمی‌دیدند. با وجود این رئیس و هیئت رئیسه دانشگاه موافقت کرد و کارشناسی‌ارشد فیزیک در سال ۱۳۴۶؟ شروع به کار می‌کرد*. پیش از شیراز دانشگاه تهران دوره فوق لیسانس فیزیک در مصوبات خود داشت. ولی تا سال‌های بعد از انقلاب آن را به صورت فعال در نیآورد. بنابراین دانشگاه شیراز را باید پیش‌آهنگ و آغازگر تحصیلات تکمیلی در کشور دانست. دانشگاه‌های دیگر تنها در سال‌های بعد از انقلاب به صرافت ایجاد دوره‌های تکمیلی افتاده‌اند.

تا سال ۱۳۵۵ بخش فیزیک دانشگاه به صورت یک نهاد آموزشی و پژوهشی جا افتاده درآمد بود و استاندارد قابل قبول جهانی پیدا کرده بود. اعضای هیئت علمی و پژوهش‌گرس به ۱۵ نفر بالغ می‌شد و سالانه به این تعداد و بعضاً بیشتر مقاله در مجلات بین‌المللی منتشر می‌کرد. با وقوع انقلاب و تعطیلی دانشگاه‌ها اعضا هیئت علمی پراکنده شدند. با آغاز جنگ تحمیلی هشت ساله این پراکندگی و افت آموزشی و پژوهش تا چند سال دیگر ادامه پیدا کرد. ولی کم‌بودهای ناشی از جنگ دوباره به دانشگاه‌ها و از جمله دانشگاه شیراز جان تازه دمید. بلافاصله بعد از بازگشایی دانشگاه، در همه جا از جمله در بخش فیزیک دانشگاه شیراز تحصیلات تکمیلی دوباره با انگیزه بیشتری دنبال شد.

دوره دکتری فیزیک دانشگاه شیراز در سال ۱۳۶۷ و هم‌زمان با دکتری فیزیک دانشگاه شریف دانشجو پذیرفت. برای گرفتن مجوز از وزارت علوم دست تنها بودم.

شورای گسترش با تقاضای اول‌مان به خاطر نداشتن هیئت علمی کافی مخالفت کرد. پیش وزیر وقت علوم، آقای دکتر فرهادی رفتم و استدلال کردم شیراز تنها دانشگاهی است که بیش از یک دهه سابقه تحصیلات تکمیلی دارد و مستعد از هر دانشگاه دیگر است. هیچ دانشگاهی چنین ادعائی نمی‌تواند به‌کند. دکتر فرهادی زیر نامه‌ام دستور صریح داد با دوره دکتری فیزیک دانشگاه شیراز موافقت شود.

هیچ یک از همکاران بخش فیزیک شیراز در دور اول و دوم پذیرش دانشجو با من هم‌آواز نه‌شد. بعضی توان دادن رساله در خود نمی‌دیدند و بعضی دلایل دیگر داشتند. ولی در دادن درس‌ها کمک کردند. در دو دوره اول هفت دانشجو پذیرفتم و رساله هر هفت نفر را تعهد کردم. برای هدایت یکی دو نفرشان از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های دیگر کمک گرفتم. سه سال بعد شش نفر فارغ‌التحصیل شدند و کار پژوهشی‌شان در مجلات بین‌المللی به چاپ رسید. برای همه قوت قلب بود که توان اداره و به سامان رساندن دوره‌های دکتری را با رعایت استانداردهای متعارف دنیا را داریم.

تا سال ۱۳۷۲ دوره کارشناسی و دکتری فیزیک شیراز برای خودش جا باز کرد اعضا هیئت علمی بخش به بیش از ۱۰ نفر رسید و همه کم و بیش وارد معرکه شدند و هر کدام گوشه‌ای از وظایف آموزشی و پژوهشی را بدست گرفتند. از ۱۳۷۲ به این سو از جزئیات کار در شیراز اطلاعی ندارم. به‌دین قدر می‌دانم یکی از دپارتمان‌های فیزیک خوب و موفق کشور است.